

فلسفه ی حج

سخنرانی حضرت آیت ا... سید حسن فقیه امامی

بسم الله الرحمن الرحیم

فلسفه حج

نویسنده:

حسن فقیه امامی

ناشر چاپی:

مدرسه علمیه ذوالفقار اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فلسفه ی حج

مشخصات کتاب

سرشناسه : فقیه امامی، حسن، ۱۳۱۳-

عنوان و نام پدیدآور : سخنرانی حضرت آیهالله حاج سیدحسن فقیه امامی پیرامون فلسفه ی حج/[حسن فقیه امامی].

مشخصات نشر : اصفهان: مدرسه علمیه ذوالفقار اصفهان، واحد تحقیقات، ۱۳۸۷.

مشخصات ظاهری : ۴۰ ص.؛ .م س ۱۷×۱۱

شابک : ۲-۲۶۹۸-۰۴-۹۶۴-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت :عنوان دیگر: فلسفه ی حج.

یادداشت : کتابنامه.

عنوان دیگر : فلسفه حج.

موضوع : حج.

موضوع : حج -- فلسفه.

رده بندی کنگره : BP۱۸۸/۹ /ف۷س۴ ۱۳۸۷

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۵۷

شماره کتابشناسی ملی : ۱۵۵۳۲۸۴

سخنرانی ۱

بِسْمِ اللّه الرَّحْمنِ الرَّحیمِ

الحمدُ للّه ربّ العالمین حمداً أزلیّاً بأَبَدیّته، و أَبَدیّاً بأَزلیّتهِ، سَرْمداً بِإطلاقه مُتَجَلِّیاً مرایا آفاقِهِ، و الصلوهُ و السلام علی سیّدِ أنبیائِهِ البشیر النـذیر و السِّراجِ المُنیرِ سیِّدنا أحمـد و نبیِّنا أبی القاسم مُحَمَّد، واللَعنُ الدائم علی أعدائهم أجمعین مِنَ الآن إلی قیامِ یوم الدّین.

بحثمان راجع به شرح خطبه حضرت فاطمه ی زهراعلیها السلام است و رسیدیم به این جمله:

«وَ الْحَجَّ تَشْیِیداً لِلدِّین»(۱)

فلسفه وجوب حج، که خدا آن را واجب کرده است چیست؟ فاطمه ی زهراعلیها السلام یک کلمه بیشتر نفرموده اند: «تَشْیِیداً لِلدِّین» ولیکن همه ی مطالب در همین جمله نهفته است حالا ما مقداری راجع به فلسفه حج عرائضی را تقدیم می کنیم تا بعد اِن شاءاللّه مطلبی را که بی بی دو عالم فرموده اند روشن شود.

اولاً آنچه که مطالعه می کنیم در آیات و روایات مربوط با حج مسئله ی ناس مطرح است ناس یعنی مردم:

«إِنَّ أَوَّلَ بَیْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذی بِبَکَّهَ مُبارَکاً وَ هُدیً لِلْعالَمینَ»(۲)

اوّلین خانه ای که برای مردم ساخته شده آن خانه ایست که در مکّه بنیانگذاری شده؛ یا می بینیم که می فرماید چرا حج واجب شده است:

«قِیاماً لِلنَّاسِ»(۳)

برای این که عامل خیزش و قیام مردم است؛ یا می فرماید:

«مَثابَهً لِلنَّاسِ»(۴)

برای این که مردم بخواهند ثواب ببرند مکّه محلّیست

که برای دریافت ثواب است.

«هُدیً لِلْعالَمینَ»(۵)

حج و مراسم حج عامل هدایت مردم است. خلاصه هر چه که دقّت می کنیم می بینیم مسئله مردم مطرح است این خانه و تمام مقرّراتی که برایش وضع شده در راستای منافع مردم است مردم باید از حج استفاده کنند. یا می فرماید:

«وَ لِلَّهِ عَلَی النَّاسِ حِجُّ الْبَیْتِ مَنِ اسْتَطاعَ إِلَیْهِ سَبیلاً»(۶)

واجب است بر مردم که حق خدا را اداء کنند و حق خداوند متعال زیارت خانه اوست. بنابراین مردم باید از این فریضه ی بزرگ الهی عالی ترین بهره برداری را داشته باشند.

یکی از خصوصیات حج این است که واقعاً حج پاک کننده انسان ها است. آن آدم هایی که سالیان دراز به گناه آلوده بوده اند موقعی که مکّه می روند از بَدْوِ شروع تا آخر کار، تمام عوامل مغفرت و آمرزش گناه جمع است؛ مثلاً اوّلین کاری که حاجی انجام می دهد رسیدن به میقات است، آنجایی که باید لباس هایش را بکند و لباس های احرام بپوشد، آنجا میقات است؛ در حج جاهلی میقات مطرح نبود ولی در اسلام خدا مقرّر کرده است که لباس احرام را از میقات باید بر تنشان بکنند.

از حضرت رضاعلیه السلام سؤال شد در فلسفه احرام فرمودند: علّتش این است که حاجی از آن وقتی که وارد میقات می شود خودش را آماده می کند برای زیارت خانه خدا یعنی لباس کار می پوشد بدین مفهوم که شغل دیگری ندارد، حواس خود را از دنیا و گرفتاری های دیگر قطع می کند.

ملاحظه فرمایید؛ یک پرستار یا یک طبیب زمانی که وارد بیمارستان می شود باید از هشت صبح مشغول شود تا دو بعدازظهر، وقتی وارد بیمارستان می شود یک لباس سفید به تنش می کند این لباس، لباس کار است یعنی

دیگر از حالاـ تـا آخر وقت من فقـط و فقـط بایـد اشـتغال داشـته باشم به کارهای مربوط به بیمار و بیمارسـتان و کارهای دیگر انجام ندهم.

حاجی لباس احرام می پوشـد که خودش را آماده کنـد برای زیارت خانه خـدا و اشـتغال به هیـچ کار دیگری به جز حـج پیـدا نکنـد. چرا زمانی که می خواهیم به میهمانی خـدا برویم بایـد در میقات لباس احرام بپوشـیم؟ ما بالاخره فرزندان حضـرت آدم هستیم آنچه که در آدم بود در فرزنـدانش هم مشابه آن ها وجود دارد، وقتی انسان می خواهد به زیارت خانه خدا برود مسئله ی حضـرت آدم برایش تداعی می شود که چطور جناب آدم داخل بهشت شد؛ جای به این خوبی وسایل فراهم، هوای مناسب خـوراک منـاسب فقـط بـه آدم گفته انـد اگر از این درخت اسـتفاده کردی دیگر در بهشت نمی تـوانی بمـانی، شـیطان آمـد و فریبش داد آدم هم نافرمانی کرد و از درخت گنـدم تناول نمود به مجرد این که از آن درخت خورد لباس های آدم و حوا فرو ریخت.

آری این ها بالاخره به زبان فطرت آشـنا بودنـد، حیا کردنـد از این که زشتی های بدنشان پیدا شد عبارت قرآن است که وقتی خوردند و چشیدند؛

«بَدَتْ لَهُما سَوْآتُهُما»(۷)

یعنی زشتی های بـدنشان آشـکار شـد. حال چه کننـد؟ این لباس اختیاری که به تنشان بوده از آن ها گرفته شده است ناچار از یک لباس اضطراری استفاده نمودند برگ های بهشت را به جای لباس به خود گرفتند.

چرا این اتفاق افتاد و زشتی ها پیدا شد؟ بخاطر گناه ولی گناهشان ترک اولی بود، معصیت به معنای گناه کبیره یا صغیره نبود امّا بالاخره خداوند زشتی ها را آشکار کرد. ما انسان ها هم لباسی داریم به نام لباس تقوا قرآن می فرماید:

«وَ لِباسُ

التَّقْوى ذلِكَ خَيْرٌ»(۸)

اگر گناه کردیم لباس تقوا و این پوشش تقوی کنار می رود و این زشتی های ما آشکار می شود مثلاً وقتی عصبانی می شویم نباید فحش بدهیم، فحش حرام است.

موقعی که انسان عصبانی می شود و شروع می کند به فحش دادن، باطن و درون انسان بوسیله ی فحش دادن ظاهر می شود معلوم می شود این یک آدم خوش نَفْس و پاکی نیست آنچه که در درونش است را بیرون می ریزد، این زشتی ها ظاهر می شود و تقوی از بین می رود.

در زندگی همین طور است، انسان ها زمانی که تقوا دارند درونشان این امور هست امّا بروز نمی کند یعنی تقوی نمی گذارد این زشتی ها ظاهر بشود هنگامی که انسان بی تقوائی نمود درونش آشکار می شود زشتی ها خودنمایی می کنند و پرونده اش سیاه می گردد.

ما هم ناچاریم همانکاری را که حضرت آدم انجام داد انجام دهیم، حضرت آدم وقتی که به این کیفیت مبتلا شد و فهمید کار خلافی کرده است شروع به گریه نمود و توبه کرد و تا آخر عمرش هم می گریست، یکی از بکّائین عالم «یعنی کسی که زیاد گریه می کند» حضرت آدم بود.

حالا می خواهیم برویم حج، می خواهیم برویم خودمان را پاک کنیم، وقتی می رسیم به میقات دیگر رابطه ی ما با وطن و اولاد، با شغل و کار و کسب قطع است. تنها و تنها به یاد این هستیم که این جا با خدا ارتباط برقرار کنیم هیچ چیز دیگر از ذخائر دنیا و زر و زیور آن در اختیار ما نیست، ما هستیم و خدا وقتی به یاد این می افتیم که آلوده هستیم و حالا می خواهیم برویم خانه ی خدا خجالت می کشیم.

آدمی که مهمان است اگر چنانچه لباسش یا بدنش کثیف باشد خجالت می کشد به

مهمانی برود، اوّل می رود لباس هایش را تغییر می دهد، حمّام می رود نظافت می کند معطرّ می شود، حال مرا خدا دعوت کرده بوسیله ی حضرت ابراهیم:

«وَ أَذِّنْ فِی النَّاسِ بِالْحَجِّ یَأْتُوکَ»(۹)

ما مهمان خدائیم، می خواهیم برویم مهمانی امّا خجالت می کشیم یک عمری خودمان را آلوده کردیم حالا می خواهیم خودمان را پاک کنیم و با کندن لباس هایمان نشان می دهیم جریان آدم را، که وقتی حضرت آدم در اثر گناه لباس هایش ریخت و لباس اضطراری پوشید.

خدایا! ما هم همین گونه هستیم می فهمیم در اثر بی تقوایی گناهانی انجام داده ایم و خود را رسوا نموده ایم حالا ـ لباس اضطراری می پوشیم که دو قطعه ی احرام باشد تا خودمان را پاک کنیم و همانند پدر بزرگمان اصلاح بشویم. انشاءاللّٰه این برنامه زمانی که برای ما تداعی شد به اختیار خود آن صحنه را بوجود می آوریم و زمینه را مساعد می کنیم برای توبه و سرود را آغاز می کنیم، سرود حاجی در موقعی که می خواهد به حج برود این است:

«لَبَّیْکَ اللّٰهُمَّ لَبَّیْکَ»(۱۰)

یعنی خدایا دعوتمان کردی حال ما آمده ایم دعوتت را اجابت کنیم، از این جا دیگر رابطه ی با خدا شروع می شود و مهمان خدا می شویم؛ لحظه به لحظه گناهان ما با اعمال حج - اگر درست به جا آوریم - تصفیه می شود.

یک روایت دیدم که این روایت را مرحوم سید هاشم بحرانی در معالم الزلفا نقل می کند روایت عجیبی است من مشابه آن را ندیدم:

حاجی وقتی می رود عرفات و غروب عرفه می شود مثل روزی است که از مادر متولد شده، از تمام گناهان پاک می شود، چه حق اللّٰه و چه حق الناس؛ حق اللّٰه مربوط به خود انسان و خدا است، و خدا هم می داند با بنده اش چکار کند.

امّا حق

الناس به چه منظور بخشیده می شود؟

در روایت دارد که خـدا به گونه ای زمینه را مساعـد می کنـد تا حاجی به عرفات آمـده مسائل حق الناسـش را حلّ کند تا ذمّه اش از مردم فارغ شود، خداونـد سـبب سازی می کنـد که انسان پاک شود به همین خاطر است که می گوینـد: وقتی حاجی از مکّه می آید شـما اوّل کسـی باشید که با او مصافحه می کنید زیرا تا هنوز پاک است و با مردم ارتباط پیدا نکرده شما بروید با او مصافحه کنید تا به ثواب برسید.

غرض این که اوّل اثری که حـج دارد پـاک سـازی است که کاملاًـ از آن موقعی که مُحرم می شود تـا آخر اعمال تمام عوامل فراهم می شود برای این که این انسان پاک پاک بشود منتهی اگر خودمان حجمان را خراب نکنیم.

امّا امروزه چه کارها که نمی کنیم!!! کارهایی که باعث می شود حجمان به تباهی کشیده شود، حجمان را با این همه آثار مهم و عجیبی که دارد ضایع می کنیم؛ مثلاً خودم در منی دیـدم شخصـی را که عصـبانی شـده بود و فحش می داد، – در آنجانمی شـود فحش داد – برای این که به قـول خـودش دلش خـالی شود، حاضـر بود قیمت ده گوسـفند را بدهـد ولی دست از فحش دادن بر ندارد.

این یک مورد است موارد متعدد دیگر هم هست که مجال ذکر آن ها نیست.

«والسلام علیکم و رحمه اللّه و برکاته»

سخنرانی حضرت آیه اللّه حاج سیّد حسن فقیه امامی

(مدّ ظلّه العالی)

پیرامون فلسفه ی حج

«قسمت دوّم»

جمادی الثانی ۱۴۲۵ ه.ق

سخنرانی ۲

بِسْمِ اللَّه الرَّحْمنِ الرَّحیمِ

الحمدُ للّه ربّ العالمین حمداً أزلیّاً بأَبَدیّته، و أَبَدیّاً بأَزلیّتهِ، سَرْمداً بِإطلاقه مُتَجَلِّیاً مرایا آفاقِهِ، و الصـلوهُ و السلام علی سیّدِ أنبیائِهِ البشیر النذیر و السِراجِ المُنیرِ سیِّدنا

أحمد و نبیّنا أبی القاسم مُحَمَّد، واللَعنُ الدائم علی أعدائهم أجمعین مِن الآن إلی قیامِ یوم الدّین.

بحث در رابطه با شرح جملات خطبه ی فاطمه زهراعلیها السلام بود و رسیدیم به قسمتی که این بانوی بزرگوار اسلام پرداخته اند به فلسفه ی احکام اسلامی تا به مردم تفهیم کنند اگر قوانین و ضوابطی در اسلام است بدون حساب و کتاب وضع نگشته است این گونه نیست که بی حساب قوانینی تنظیم شده باشد تا براحتی بشود آن را نقض کرد، چون این قوانین حکیمانه تشریع شده است به همین خاطر نقضش به دست انسان ها جایز نیست و لذا است که قرآن می فرماید:

«إِنِ الْحُکْمُ إِلاَّ لِلَّهِ»(۱۱)

قانون گذاری مختص به ذات حق است کسی حق نقضش را ندارد.

فاطمه زهراعلیها السلام فرمودند:

«وَ الْحَجَّ تَشْیِیداً لِلدِّین»(۱۲)

چرا خداوند همچون فریضه ی بزرگی، به نام حج را قرار داده است؟

زیرا دین را تشییّد می کند، تشییّد یعنی بالا بردن، وقتی یک چیزی را بخواهند رشدش دهند و از سطح زمین بالاتر ببرند می گویند تشییّد. خداوند خواسته است تا دین مبین و حنیف را بالا ببرد یعنی جهانی کند، بدین جهت حج را قرار داده است، این حج یک عملی عبادی است که وجه ی جهانی دارد، حضرت ابراهیم علیه السلام تمام مردم جهان را دعوت نموده است برای شرکت در این کنگره ی عظیم الهی و تقریباً از روایات این گونه فهمیده می شود که قوام و استواری دین به حج است، در روایت آمده: تا کعبه هست دین نیز پابرجاست.

آن کسانی که می خواستند دین را از بین ببرند تصمیم می گرفتند که کعبه را خراب کنند، البتّه خدای متعال از خانه خود دفاع نمود و کسانی که قصد این خیانت

را داشتند؛

«فَجَعَلَهُمْ کَعَصْفٍ مَأْکُولٍ»(۱۳)

مثل کاه خورد شده متلاشی و نابود کرد.

موقعی که به تاریخ اسلام مراجعه می کنیم می بینیم که حج در انعقاد نطفه اسلام نقش مؤثری داشته است، این مقدمه را عرض کنم: قبل از اسلام مردم جاهلی هم حج داشتند، می آمدند خانه خدا را زیارت می کردند، منتهی حج آن ها مثل حج ما نبود ما می رویم طواف می کنیم، نماز می خوانیم، استلام حجر می کنیم، امّا آن ها می رفتند آنجا بت می پرستیدند، طواف هم می کردند، امّا بعضی از آن ها با بدن عریان عریانِ به طواف می پرداختند و به جای نماز سوت و کف می زدند، که قرآن می فرماید:

«وَ ما کانَ صَلاتُهُمْ عِنْدَ الْبَیْتِ إِلاَّ مُکاءً وَ تَصْدِیَةً»(۱۴)

چند سالی از بعثت رسول اکرم صلی الله علیه وآله گذشته بود، بعضی از مردم مدینه آمده بودند برای زیارت خانه ی خدا و پیامبر که در شعب ابی طالب به سر می بردند، اجازه داشتند برای ایّام حج از شعب بیرون بیایند.

یعنی در آن دوران، که سه سال پیغمبر در شعب ابی طالب تحت نظر بودند، این منطقه منطقه ای بود حصار بسته که مخصوص حضرت ابوطالب بود، قانون آن زمان این گونه بود تا شخصیت هایی که در دارالندوه شرکت داشتند هر کدام پناهگاهی دارا بودند، اگر مجرمی می رفت به این ها پناهنده می شد تا زمانی که در پناهگاه بود متعرِّض او نمی شدند. یکی از آن کسانی که عضو دارالندوه بوده است حضرت ابوطالب می باشد، دارالندوه مثل مجلس شورای ما است، آن زمان هم مرکز شورایشان دارالندوه بوده، پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله در شعب ابوطالب که پناهگاهی بود زیر نظر ابوطالب آنجا زندگی می کردند و کسی متعرضشان نمی شد، مردم مکّه که قصد جان پیغمبر را داشتند

حضرت را آزار و اذیّت می نمودند، پیامبر نیز پناهنده به شعب ابی طالب شدند و سه سال در آنجا زندگی سپری کردند.

شعب بیابانی بود که نه آب داشت و نه آبادی، و یک منطقه لم یزرع بود، حال با چه مصیبت هایی یک قوت لایموتی می فرستادند برای آن ها و آنجا زندگی می کردند، حضرت علی علیه السلام این مدّت در شعب ابی طالب خدمت پیغمبر بودند، فاطمه زهراعلیها السلام هم در سن طفولیّت نیز در خدمت پیغمبر بودند، ابوطالب هم نظارت می کرد.

خیلی در ظرف این سه سال به پیغمبر سخت گذشت فقط در موسم حج آزاد بودند تا بیایند برای زیارت خانه خدا، در مراسم حج دیگر کسی مزاحم آن ها نبود پیغمبر چون موسم حج می رسید به خودشان اجازه می دادند تا از شعب ابی طالب بیرون آیند جهت شرکت در مراسم حج.

وقتی که اعراب می آمدند منی جهت قربانی کردن، پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله هم از فرصت استفاده می نمودند، و در منی حضور می یافتند و در عقبه که درّه ای بود از کوه های مکّه، با هفت نفر از اعراب مدینه که برای زیارت خانه خدا آمده بودند ارتباط برقرار نمودند.

پیغمبر اسلام صلی الله علیه وآله آن ها را به اسلام فراخواندند، آن ها هم گرایش به اسلام پیدا کردند و در سال بعد هم عیناً همین جریان اتفاق افتاد و سال بعد جمعیّت دو برابر شد، به مکّه آمدند با پیغمبر اسلام بیعت نمودند و سال سوم تعدادشان به هفتاد نفر رسید و با پیغمبر اسلام در عقبه بیعت کردند و از پیغمبر دعوت کردند تا به مدینه رود، همچنین درخواست کردند یک نفر به عنوان مبلّغ از طرف پیغمبر به مدینه

برود تـا مردم را ارشـاد نمایـد، پیغمبرصـلی الله علیه وآله هم مصـعب نامی را فرسـتادند برای تبلیغ اهل مـدینه و او هم با تلاوت قرآن مردم را دعوت به اسـلام می کرد، ملاحظه کنید انعقاد نطفه اسـلام در مدینه به برکت انجام مراسم حج بود این قضـیه را در ذهن مبارکتان داشته باشید.

پیغمبر اسـلام صـلی الله علیه وآله در صدد این بودند تا مکّه را فتح کنند، چون می دانستند کلید انقلاب اسلامی، مسئله ی فتح مکّه است ده سـال طـول کشـید و خداونـد هم به پیغمـبر وعـده داده بود که مـا تو را به مکّه بر می گردانیم؛ قرآن کریم به این مطلب اشاره اجمالی دارد:

«إِنَّ الَّذی فَرَضَ عَلَیْکَ الْقُرْآنَ لَرادُّکَ إِلی مَعادٍ»(۱۵)

سال دهم از هجرت پیغمبر اسلام صلی الله علیه وآله با ده هزار نفر از مسلمین راهی مکّه شدند و مکّه را فتح نمودند، بدون این که خون از دمـاغ کسـی بیایـد چون خواسـته ی پیغمبر این بود که امنیّت حرم الهی حفـظ شود (حـال بـا چه زمینه سـازی هایی پیغمبر آمدند تا وارد مکّه شدند بماند) ولی مردم مکّه یک جا تسـلیم پیغمبرصلی الله علیه وآله شدند تا این که این آیات نازل شد:

«إِذا جاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَ الْفَتْحُ ۱ء وَ رَأَیْتَ النَّاسَ یَدْخُلُونَ فی دینِ اللَّهِ أَفْواجاً ۲ء فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّکَ وَ اسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ کانَ تَوَّاباً ۳ء »(۱۶)

«هنگـامی که یـاری خـدا و پیروزی فرا رسـید، و می بینی گرایش مردم دیگر تـک تـک نبود بلکه گروهی وارد دین خـدا می شوند، پروردگارت را تسبیح و حمد کن و از او آمرزش بخواه که او توبه پذیر است»

باز اگر ملاحظه فرمایید آن وقتی اسلام رونق می گیرد که مکّه فتح بشود این پایگاه عظیم الهی

زمینه ساز این می شود که این انقلاب رونق و شکل بگیرد و هر سال کنگره ی عظیم الهی تشکیل می شود تا مردم با اسلام تجدید عهد نمایند. مردم اطراف مکّه هر سال در موسم حج می آمدند مقداری مسائل اسلامی را می آموختند و می رفتند در اطراف و اکناف جهان تبلیغ می کردند و واقعاً پایگاه عجیبی است.

دستور هم داریم که کارهای مهمّ و برنامه های دینی خیلی خیلی عمیق باید در موسم حج انجام بگیرد این بود که جریان غدیر خُم هم در ایام مراسم حج انجام گرفت، که از همه جای جزیره العرب و اطراف و اکناف برای زیارت خانه خدا آمده بودند پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله مجبور شدند علی علیه السلام را به امامت منسوب کنند و به برکت مراسم حج اعلام ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام انجام گرفت آن وقت از هر کجا مردم به زیارت آمده بودند پیام غدیر را به اطراف و اکناف رساندند و منتشر کردند بی جهت نیست که فاطمه زهراعلیها السلام می فرماید:

«وَ الْحَجَّ تَشْیِیداً لِلدِّین»(۱۷)

الآن هم همین گونه است اگر می بینیم اسلام سرپاست به برکت کنگره ی عظیم حج است و موجی که در دنیا ایجاد می کند.

زمانی که می بینند مردم به اسلام علاقمندند می آیند اطراف خانه خدا و طواف می کنند، وقتی علاقه ی مردم را می بینند کمی دست از توطئه هایشان بر می دارند؛ همین طور که در جریان اربعین امسال در عراق زمانی که آمریکائی ها آن جمعیت عجیب و غریب را دیدند که از اطراف، سواره و پیاده با آن شور و هیجان می آیند برای زیارت امام حسین علیه السلام حساب کار خودشان را کردند، شکست روحی خودشان را تحمل کردند.

آری این جمعیت ها اثرش این است وقتی که می بینند مردم دنیا

با این هیجان از اطراف عالم می آیند با وسیله های مختلف، پیر و جوان، فقیر و غنی، عزیز و ذلیل همه ی طبقات جامعه به این منطقه می آیند و طواف می کنند و عشق می ورزند دیگر این ها به راحتی نمی توانند علیه مسلمان ها تصمیم بگیرند.

عامل نشر اسلام مراسم حج بوده است؛ حتی حضرت صادق علیه السلام که می خواستند مسائل انقلاب امام حسین علیه السلام را به همه ی عالم منتشر کنند، زنان نوحه گر را اجیر می کردند و می فرمودند: «شما در موسم حج بیائید در منی بشینید برای امام حسین علیه السلام عزاداری کنید» این کار را می کردند تا پیام انقلاب امام حسین علیه السلام به برکت حاجی ها به تمام دنیا برسد.

یک حادثه اگر در موسم حج اتفاق بیفتد حتی اگر رادیو و تلویزیون هم نباشد این خبر به طور ضرب العجل به تمام دنیا می رسد و مردم دنیا از مشکلات مسلمین، با خبر می شوند.

این است که فاطمه زهراعلیها السلام گر چه حج منافع فراوانی دارد ولی حضرت روی این بُعد تکیه خاصی کردند، و این بُعد از همه ابعاد مهمتر و بالاتر است که تشیّد دین است. یعنی بقاء دین به برکت مکّه، و مسجدالحرام و حج، تضمین می شود؛ لذا کسانی که می خواستند اسلام را از بین ببرند کعبه را هدف قرار می دادند.

منتهی در آن زمان یک صورت و در زمان ما به صورت های گوناگون دیگری بین مردم و دین فاصله می اندازند، آن زمان با تصمیم خراب کردن کعبه بود ولی امروز دیگر حربه هایشان عوض شده، الآن با این تشکیلات رسانه های جمعی از طریق اینترنت و ماهواره و دیگر وسائل ارتباطی، شبهاتی را بین مردم القاء می کنند؛ و شما می بینید که یک پیرمرد پس

از هشتاد سال دم زدن از اسلام و تشیع تحت تأثیر این القائات قرار می گیرد. و البتّه این مطلب را هم عرض کنم، که فکر نکید این شبهات تازگی دارد، از قدیم الایّام و از زمان انعقاد اسلام تا الآن آن هایی که می خواستند اسلام را نابود کنند آنجایی که زورشان نمی رسید تا با اتکاء بر قدرت اسلام را به زانو در بیاورند از طریق فرهنگی اقدام می نمودند، دائم شبه القاء می کردند بطوری که حربه ی اسلام را کُند کنند، شما سوره فرقان را بخوانید و ببینید در همان زمان که بر پیغمبر اسلام صلی الله علیه وآله قرآن نازل می شد، یک عده آمدند به بهانه جویی و شبه القا کردن، مردمی که آگاه بودند به مجردی که یک شبه برایشان القاء می شد و سؤال پیش می آمد، می آمدند خدمت پیغمبر سؤال را مطرح می نمودند، حضرت هم جوابشان را می گفتند.

تا حال یا خدا با آیات قرآنی جوابگوی این ها بوده یا خود پیامبرصلی الله علیه وآله و ائمه علیهم السلام، که احتجاجات این بزرگواران الآن موجود است. یعنی در حال حاضر کتابی موجود است از مرحوم طبرسی قدس سره بحث هایی که پیغمبر کردند با قبائل گوناگون، با مکاتب مختلف همه ی این ها موجود است؛ فکر نکنید ایرادی به اسلام وارد می شود که جواب نداشته باشد آنچه که شما ایراد تصور کنید و به ذهنتان بیاید، این ها قبلاً پیش بینی شده و جواب هایش داده شده است.

الآن پیروان مکاتب باطله را با هر کدامشان که حرف بزنیم می گویند من اجازه بحث ندارم، برویم نزد مُلّایی که ما داریم با او بحث کنید؛ و ای کاش ما مسلمان ها یاد می گرفتیم، اگر کسی می خواست با ما بحث کند و

شبه القا کند، دستش را می گرفتیم می بردیم نزد عالمی که آگاه باشد و بتواند جواب این شبهات را بدهد. تمام این شبهات جواب دارد و آن هم جواب های حساب شده و منطقی، چون تکراری است و چیز تازه ای هم نیست این ها با شبه القاء کردن، مردم را متزلزل می کنند.

یک مقداری از سؤالاتی را که در اینترنت جمع کرده بودند را برای من آوردند، این قدر مضحک و خنده دار است که حّد و حساب ندارد، آن وقت با یک چیزهای سر و ساده مسیر فکری مردم را عوض می کنند.

من این توصیه را به شما می کنم، هر وقت سؤالی برایتان پیش آمد پیش خودتان نگذارید و از آدم اهل علم و دین سؤالتان را بپرسید و جوابتان را بگیرید تا عقائدتان متزلزل نشود.

آن ها در کار خودشان موفق هستند، خیلی تلاش دارند و آن قدر پول خرج می کنند، آن قدر تبلیغات انجام می دهند، مقاله می نویسند سخنرانی می کنند، که حّد و حساب ندارد تا این یک مقدار دین را از این مردم بگیرند، چون تا مردم دین دارند آن ها نمی توانند بر پشتشان سوار شوند، وقتی می توانند از مردم بارکشی بکنند که افکارشان را تغییر دهند، منظورم این است که خیلی باید مراقب بود.

فاطمه زهراعلیها السلام می فرمایند: خدا حج را واجب کرده است تا مسلمان ها از اطراف دنیا برای زیارت بیت اللّه الحرام بیایند، و در آنجا مردم مشکلاتشان را بگویند و سؤالاتشان را مطرح کنند و پیام اسلام را به گوش مردم دنیا برسانند؛ این برنامه ها برای تقویت دین در موسم حج انجام می گیرد.

حالا نمی خواهیم وارد جزئیات و فروعات فلسفه ی حج بشوم چون بحث خیلی مفصّلی دارد، ولی اجمالاً گفتیم و

رد شدیم.

«والسلام علیکم و رحمه اللّه و برکاته»

پاورقی ها

۱) بحارالأنوار، علامه مجلسی ج ۲۹ ص ۲۲۳ فصل نورد فیه خطبه خطبتها سیده النساء

۲) آل عمران ۹۶: «نخستین خانه ای که برای مردم قرار داده شد، همان است که در سرزمین مکّه است؛که پر برکت، و مایه ی هدایت جهانیان است»

۳) مائده ۹۷ «جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَهَ الْبَيْتَ الْحَرامَ قِياماً لِلنَّاسِ وَ الشَّهْرَ الْحَرامَ وَ الْهَدْىَ وَ الْقَلائِدَ ذلِكَ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ ما فِي السَّماواتِ وَ ما فِي الْأَرْضِ وَ أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَليمٌ»

۴) بقره ۱۲۵ «وَ إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثابَهً لِلنَّاسِ وَ أَمْناً وَ اتَّخِذُوا مِنْ مَقامِ إِبْراهيمَ مُصَلًّى وَ عَهِدْنا إِلى إِبْراهيمَ وَ إِسْماعيلَ أَنْ طَهِّرا بَيْتِيَ لِلطَّائِفينَ وَ الْعاكِفينَ وَ الرُّكَّعِ السُّجُودِ»

۵) آل عمران ۹۶

۶) آل عمران ۹۷: «و برای خدا بر مردم است که زیارت خانه ی او کنند، آن ها که توانایی رفتن به سوی آن دارند»

۷) اعراف ۲۲ «فَدَلَّاهُما بِغُرُورٍ فَلَمَّا ذاقَا الشَّجَرَهَ بَدَتْ لَهُما سَوْآتُهُما وَ طَفِقا يَخْصِفانِ عَلَيْهِما مِنْ وَرَقِ الْجَنَّهِ وَ ناداهُما رَبُّهُما أَ لَمْ أَنْهَكُما عَنْ تِلْكُمَا الشَّجَرَهِ وَ أَقُلْ لَكُما إِنَّ الشَّيْطانَ لَكُما عَدُوٌّ مُبينٌ»

۸) اعراف ۲۶ «امّا لباس پرهزگاری بهتر است!»

۹) حج ۲۷: «و مردم را دعوت عمومی به حج کن؛»

۱۰) کافی، مرحوم کلینی ج ۴ ص ۲۴۹

۱۱) انعام ۵۷

۱۲) بحارالأنوار، علامه مجلسی ج ۲۹ ص ۲۲۳ فصل نورد فیه خطبه خطبتها سیده النساء

۱۳) فیل ۵

۱۴) انفال ۳۵: «نمازشان نزد خانه ی خدا، چیزی جز سوت کشیدن و کف زدن نبود؛»

۱۵) قصص ۸۵: «آنکس که قرآن را بر تو فرض کرد تو را بجایگاهت باز می گرداند!»

۱۶) سوره ی نصر

۱۷) بحارالأنوار، علامه مجلسی ج ۲۹ ص ۲۲۳

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹